

پزشکی قانونی اعلام کرد:

مرگ ۲۳ نفر در تصادفات ترافیکی و غیر ترافیکی نوروز

در راه‌رویی دادگاه خانواده

تاوان جدایی

صدیقی- زندگی من وقتی دچار توفان ویرانگر شد که آن زن غریبه با هزار نیرنگ به عنوان مستاجر پیدا شد و البته بی وفایی و سادگی شوهرم مانند تری شد تا ریشه زندگی ما را از بن قطع کند.
نیز دل شکسته ای که آرزوی بچه دار شدن داشت از ناملایمات روزگار و زندگی خودش می گوید:
از دوران کودکی عاشق بچه ها به خصوص نوزاد ها بودم اما هر بار که می خواستم بچه ها را بغل کنم با واکنش تند اطرافیانم مواجه می شدم.
برای همین مادرم وقتی علاقه من به بچه ها را دید چند عروسک نوزاد دختر برای من خرید تا با آن ها بازی کنم.
هر چقدر که بزرگتر می شدم انکار حس مادری در من بیشتر می شد.
هر بار که بچه ای بغل مادری می دیدم قند در دلم آب می شد و آرزو می کردم ای کاش بچه مال خودم بود.
ناگفته نماند که مادرم نیز خیلی دوست داشت روزی نوه اش را در آغوش بگیرد و آرزو داشت هر چه زودتر من ازدواج کنم.
بالاخره موقع ازدواج من هم رسید و با یکی از پسرهای همسایه مان ازدواج کردم و با هزار آرزو پا به خانه بخت گذاشتم.
همه چیز خوب و رویایی بود و من کنار همسرم خوشبخت بودم و او هم مانند من علاقه زیادی به بچه داشت.
چند سال گذشت اما از بچه خبری نشد چون مشکل از من بود برای همین هم مدام مادر و خواهرشوهرم به من سر کوفت می زدند و یک ریز غر می زدند که چرا بچه دار نمی شویم.
من هم از این موضوع به شدت ناراحت بودم ، از یک طرف جواب آن ها را نمی توانستم بدهم و از طرف دیگر هزینه های کمر شکن درمان امان مان را بریده بود و از همه کس و همه چیز خسته شده بودم.
خانه مان دوبطیقه و طبقه پایین خالی بود، به شوهرم پیشنهاد دادم طبقه پایین را اجاره بدهیم.
هر بار که افراد مختلفی برای اجاره می آمدند شوهرم به بهانه های مختلف همه را دست به سر می کردم و می‌گفت نباید آدم غریبه ای با ما زندگی کند.

از این ماجرا چند وقتی گذشت تا این که روزی صدای زنگ خانه به صدا درآمد وقتی جلوی در حیاط رفتم و در را باز کردم خانمی با یک بچه در بغل را دیدم زن غریبه به محض دیدنم شروع کرد به دعا کردن و کلی التماس، من هم که کلا گیج شده بودم و نمی دانستم موضوع چیست علت حضورش را پرسیدم که در جواب گفت :صاحب خانه ام به بهانه بالا بردن اجاره خانه قصد دارد وسایل من را بیرون بریزد برای همین هم شوهر شما آدرس اینجا را به من داد تا با همان اجاره قبلی که می دادم در طبقه پایین منزل شما ساکن شوم.

وقتی با همسر تماس گرفتم او در جوابم گفت دلم به حال آن زن و بچه اش سوخت و گفتم ثواب دارد برای همین قبول کردم.
بعد از چند روز موقع اسباب کشی علت غیبت شوهرش را از او چویا شدم ،گفت شوهرش راننده ماشین سنگین است و مدام در جاده است و به خاطر همین نتوانست بیاید.

یکی، ۲ هفته از آمدن مستاجر گذشت کم کم به رفتار و کردار شوهر مشکوک شدم و مدام هنگام صحبت کردن با تلفن همراه آن من فاصله می گرفت و به بهانه های مختلف دیر وقت به خانه می آمد.

برای اسر در آوردن از کار شوهرم را برادرم خواستم مدتی شوهرم را زیر نظر بگیرد تا ببینم با چه افرادی نشست و برخاست می کند.

برادرم نیز قبول کرد و مدتی شوهرم را زیر نظر گرفت اما بعد از چند روز به من گفت شوهرم سرشب مستقیم بعد از کار به خانه می آید اما زمانی که او وارد ساختمان می شد با زمانی که به خانه می آمد، اختلاف داشت.

بعد از آن مطمئن شدم شوهرم قبل از آمدن به خانه، مستقیم به خانه مستاجر می رود و تا پاسی از شب آن جا می ماند.

فردای آن روز مخفیانه منتظر شوهرم شدم تا از سر کار بیاید.
وقتی آمد یک راست به خانه مستاجر رفت و من هم پشت در خانه منتظرش ایستادم تا دستش راارو کنم.

چند ساعتی گذشت بالاخره از خانه بیرون آمد وقتی من را پشت در دید شوکه و دستپاچه شد ولی خیلی زود خودش را جمع و جور کرد و گفت ماشین لباسشویی طبقه پایین خراب بود و زن مستاجر از من خواست تعمیرش کنم.
من که دیگر از دروغ های او خسته شده بودم گفتم مگر هر شب لوازم برقی او خراب می شود؟

همسرم وقتی دید من از همه چیز خبر دار شده ام به من گفت این زن از شوهرش جدا شده است و من هم بچه دوست دارم و تو نمی توانی بچه دار شوی برای همین تصمیم گرفتم با این زن ازدواج کنم.

بعد از شنیدن این حرف ها انکار داری روی سرم خراب شد و با ناراحتی و با چشمانی اشک آلود به خانه پدرم برگشتم.

شوهرم بعد از مدتی حاضر به طلاق شد.
مدتی از این ماجرا گذشت تا این که دوباره شوهرسابقم پیغام فرستاد که از این جدایی پشیمان شده است و قصد دارد دوباره با من ازدواج کند.

وقتی پیگیر ماجرا شدم فهمیدم آن زن حقه باز با نقشه قبلی تمام خانه را به عنوان مهریه از چنگ او برآورده و از او جدا شده است و او ناگزیر آواره خیابان شد تاوان کار خودش را داد.

پنجشنبه ۱۹ فروردین۱۳۹۵ ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۴۲۷ شماره ۲۱۲۰

۲۳ نفر طی تعطیلات نوروز امسال در تصادفات ترافیکی و غیر ترافیکی در استان فوت کردند.به گزارش خبرنگار ما و بر اساس گزارش روابط عمومی اداره کل پزشکی قانونی خراسان شمالی به عنوان مرجع اصلی آمار قطعی متوفیان تصادفات، این مرجع آخرین آمار قربانیان تصادفات را ۲۳ نفر اعلام کرد که از این تعداد ۱۸ نفر در تصادفات جاده ای طرح نوروزی امسال جانشان را از دست دادند که این آمار در سال گذشته ۲۲ نفر بود. بر اساس این گزارش از ۲۵ اسفند تا



گزارش عینی خراسان شمالی از پاتوق معتادان در یک محله

همسفر با فضانوردان خانه باغ!



زیر پا می گذاری. وقتی از مضرات و خطرات این نوع مواد پرسیدم، گفت: برای سلامتی بدن به خصوص برای مغز و اعصاب مخرب است و توهم زاست اما دیگر به این نوع مواد اعتیاد پیدا کرده‌ام.

وقتی مصرف می کنم انگار غم و غصه ام از یادم می رود و در عالم دیگری سیر می کنم . او ادامه داد: روزی بعد از کشیدن چهار چرخی سوار موتورسیکلمت شدم و در حال خودم نبودم و در توهم به سر می برم. با سرعت در خیابان در حال رانندگی بودم و فکر می کردم پال دارم و می توانم با پرواز از روی وسایل نقلیه عبوری آن ها را پشت سر بگذارم در همین خیال بودم که ناگهان از پشت

سر به شدت با یک خودروی سواری تصادف کردم و چند ماهی در کما بودم که خوشبختانه دوباره به زندگی برگشتم . غرق صحبت بودم که او یکی از حاضران از دوستش تقاضای مقداری مواد مخدر کرد که او در جویاش گفت تمام مواد مخدرش را مصرف کرده است و از او خواست به فرد مواد فروش رنگ بزند تا مقداری مواد برای شان بفرستد و او نیز سریع به فرد مورد نظر رنگ زد و با دادن آدرس در کمال تعجب در عرض چند دقیقه یک پیک موتوری پشت در باغ حاضر شد.بعد از گرفتن پول مواد را تحویل داد و به سرعت دور شد. از این موضوع تعجب کردم . وقتی از او علت

، دوستان و آشنایانم به توسط دوستانم به این باغ دعوت شدم تا کمی دور هم باشیم. یکی دیگر از حاضران که از بقیه مسن تر و متاهل است، می مورد تفریح و خوشگذرانی بود. اما نه آن تفریح که مد نظر من بود تفریح آن ها به قول خودشان از نوع "فضانوردی" "چرخش به دور زمین" و سرکشی به کپکشان ها یا کمترین هزینه بود. وقتی این القاب را از آن ها شنیدم کنجکاو شدم و موضوع را از دوستم پرسیدم او در جواب گفت: باید خودت بیایی واز نزدیک شاهد تفریح این ها باشی و من هم قبول کردم که با آن ها همراه شوم. همه جوان های حاضر در مجلس به بهانه دور زدن در شهر از مجلس خارج شدند و هر کدام سوار بر وسیله نقلیه خود به راه افتادند و من هم با دوستم سوار بر موتور سیکلت به دنبال آن ها به راه افتادم و بعد از گذشتن از چند چهارراه و خیابان از جنوب شهر گرمه خارج شدیم .هوا کم کم داشت تاریک می شد به محله که نه، البته بیشتر خانه باغ ها و دامداری هایی که در آنجا احداث شده بودند رسیدیم و از کوچه و پس کوچه های تنگ، خاکی و گلی و بعضی از جاهای شن ریزی شده گذشتیم. از هر کوچه ای که می گذشتیم اکثر جوان هایی را می دیدم که سوار بر موتور سیکلت وارد خانه باغ ها یا از آن ها خارج می شدند. جلوی خانه باغی رسیدیم و با فشردن زنگ باغ در باز شد وارد حیاطی شدیم که یک اتاق

کلايه مردم از افزایش تخلف پایین آوردن ارتفاع خودرو

خودروهای حادثه ساز

بر خورد با خودروهای با ارتفاع پایین افزایش می یابد



برای پیشگیری از افزایش خودروهایی با ارتفاع پایین باید با تعمیر کارانی که اقدام به چنین کاری عین حال، رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی خراسان شمالی پایین آوردن ارتفاع خودرو را مطابق قوانین راهنمایی و رانندگی تخلف اعلام می کند و می گوید: مأموران پلیس راهنمایی و رانندگی بر این اساس با مالکان این خودروها برخورد می کنند و طی یک سال اخیر بارها خودروهایی را به این دلیل به پارکینگ منتقل کرده اند.

سرهنگ «اسپیدکار» از تشدید برخورد با رانندگان چنین خودروهایی خبر می دهد و می افزاید:

برای پیشگیری از افزایش خودروهایی با ارتفاع پایین باید با تعمیر کارانی که اقدام به چنین کاری می کنند نیز برخورد شود و بر همین اساس در

مطابق قوانین راهنمایی و رانندگی تخلف اعلام می کند و می گوید: مأموران پلیس راهنمایی و رانندگی بر این اساس با مالکان این خودروها

برخورد می کنند و طی یک سال اخیر بارها خودروهایی را به این دلیل به پارکینگ منتقل کرده اند.

سرهنگ «اسپیدکار» از تشدید برخورد با رانندگان چنین خودروهایی خبر می دهد و می افزاید:

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان شمالی

خراسان شمالی

۱۵ فروردین امسال ۱۰ نفر در جاده های درون شهری و ۸ نفر در جاده های خاکی و ۴ نفر نیز بر اثر تصادفات غیر ترافیکی فوت کردند.
طی این مدت نیز یک نفر در تصادف درون شهری فوت کرد که در این مدت طی سال گذشته ۲ نفر فوت کرده بودند.
با توجه به این که برخی از مصدومان حوادث ترافیکی ممکن است طی یک ماه پس از تصادف در بیمارستان فوت کنند هنوز این آمار قطعی نیست و پزشکی قانونی ماه آینده و پس از جمع بندی آمار مصدومان حوادث ترافیکی استان که در بیمارستان های استان و یا در بیمارستان های دیگر استان ها بستری هستند آمار قطعی را ارائه خواهد داد.

عبرت

دوست گرگ صفت

وقتی این خبر را از همسرم شنیدم دیوانه شدم . باورم نمی شد دوستم چنین خیانتی به من کرده باشد.
چطور توانست این کار را با من بکند و از پشت به من خنجر بزند.

الته خودم را بیشتر سرزنش می کنم که بیش از حد این آدم گرگ صفت را به حریم خانه ام راه دادم تا این گونه آبروی من و خانواده ام را ببرد.
ای کاش کمی بیشتر در انتخاب دوست دقت می کردم ، ای کاش....

جوان ۳۰ ساله ماچرا را این گونه بیان می کند:
من در کارخانه ای کار می کردم و برای فرار از تنهایی با چند نفر از همکاران هم شیفتم دوست و با یکی از آن ها بیشتر صمیمی شدم به طوری که با یکدیگر رفت و آمد می کردیم و دوستم به همراه خامش مدام به خانه ما می آمد.
ما هر هفته روزهای تعطیل را هم بیرون می رفتیم . من دیگر اعتماد کامل به او پیدا کرده بودم.
بعد از مدتی کار در کارخانه، شیفت ما از هم جدا شد و مدتی از او بی خبر بودم تا این که روزی که سر کار

بودم دوستم به بهانه ای به منزل ما رفته بود.
همسرم برای من ماجرای خیانت دوستم را این گونه تعریف کرد:
مشغول انجام کارهای خانه بودم که صدای زنگ خانه به صدا درآمد وقتی جلوی در حیاط رفتم و در را باز کردم دیدم دوستم جلوی در ایستاده است و با عذرخواهی از من بابت این که صبح مزاحم شده گفت کپی شناسنامه شوهرت را برای کارخانه لازم دارم ، چون همسرت کار داشت نتوانست به دنبال کپی بیاید از من خواست این کار را برای او انجام دهم.
همسرم ادامه داد: من هم به سرعت به داخل خانه رفتم وقتی داخل کمدم دنبال شناسنامه می گشتم یک لحظه کسی را پشت سرم حس کردم.
وقتی به عقب نگاه کردم دوستم را پشت سرم داخل خانه دیدم و وقتی از او خواستم خانه را ترک کند او بی توجه به اعتراض خواسته من به سویم حمله ور شد و دهانم را محکم گرفت و من را مورد آزار و اذیت قرار داد.
اما وقتی دید با سر و صدای من همسایه ها با خبر شدند به سرعت خانه را ترک کرد و پا به فرار گذاشت.
هم اکنون به دادسرا مراجعه کرده ام تا از این مرد گرگ صفت شکایت کنم و قانون او را به سزای عملش برساند.

حادثه در شهر

نزاع بر سر شیر فاسد

بعدازظهر یکی از روزهای بهاری آخر هفته مشغول خرید اجناس مورد نیازم در یکی ازشهرک های غرب بجنورد بودم که ناگهان سر و صدای زیادی خیابان را فرا گرفت.
۲ نفر به شدت به هم حمله ور می شدند و ناسزا می گفتند و یکدیگر را مدام تهدید می کردند.
خوشبختانه قبل از این که اتفاق ناگواری برای آن دو نفر و به خصوص برای ساکنان محله بیفتد مردم آن دو نفر را به آرامش دعوت و از هم جدا کردند.

یکی از طرفین دعوا کاسب محله بود و در مورد چربایی این نزاع گفت: طبق معمول هر روز صبح زود به خاطر شلغم در مغازه را باز کردم و مشغول نظر داریم طی جلسه ای با متولیان از جمله اداره آقا برای خرید شیر مراجعه کرد و مقداری شیر خرید و از مغازه خارج شد.

بعدازظهر فردی که شیر را خریده بود با دبه شیر و با عصبانیت وارد مغازه شد و گفت: این شیر را پس آورده ام چون خراب بود، من بدون بحث اضافی بابت این موضوع از او عذر خواهی کردم و خواستم پول شیر را پس بدهم که طرف مقابل شروع کرد به ناسزاگویی و تهدید.

هر چقدر من تلاش کردم وی را آرام کنم اما موفق نشدم.

او فقط فحاشی می کرد و می گفت که چرا شیر خراب را به وی فروخته ام، تا این که با برداشتن یک آجر به من حمله ورشد و من را مورد ضرب و جرح قرار داد.
من هم به ناچار برای دفاع از خود با او درگیر شدم که خوشبختانه مردم به موقع سر رسیدند و ما را از همدیگر جدا کردند .
من مجبورم به خاطر خسارت وارد شده به مغازه ام و همچنین بابت ضرب و جرح توسط این مرد خشمگین و عصبانی شکایت کنم.

خبر

جریمه ۵۰ میلیون ریالی قاچاقچیان کالا و ارز

صدیقی- تعزیرات حکومتی خراسان شمالی قاچاقچیان کالا و ارز را به پرداخت ۵۰ میلیون ریال جزای نقدی محکوم کرد.

مدیرکل تعزیرات حکومتی خراسان شمالی گفت: در روزهای جاری سه پرونده قاچاق کالا و ارز توسط مراجع نظارتی به تعزیرات حکومتی ارسال شد و با بررسی سه پرونده قاچاق مواد دخانی سیگارت و تنباکو توسط شعبه ویژه قاچاق کالا و ارز و پس از محرز شدن تخلفات، واحدهای صنفی محکوم به پرداخت جریمه نقدی شدند.«عزیزی» افزود: با متخلفان برابر قانون برخورد شد و علاوه بر ضبط کالای دخانی مکشوفه به دو برابر ارزش ریالی مواد محکوم (۵۰ میلیون ریال) در حق صندوق دولت محکوم شدند.



«علاج واقعه قبل از وقوع حادثه»؛ این مصداق می تواند برای ختدقی باشد که برای انتقال بساب و رواناب بدون حفاظ لازم احداث شده است واز مسیر خیابان هجرت ،پشت فرمانداری عبور می کند با توجه به قرار گرفتن مدرسه در نزدیکی ختدق و از طرفی گودی و ارتفاع حداقل سه متر می تواند خود تهدیدی برای ساکنان به خصوص دانش آموزانی که برای رفت و آمد از این مسیر عبور می کنند باشد و حوادث ناگواری را برای دانش آموزان و خانواده‌ها رقم بزند .

ای کاش پیش از بروز حادثه ای در دناک مسئولان مربوطه به فکر چاره باشند.